



جنایت سعودی در بستر پگاسوس



پرونده پگاسوس، محور شرارت را به صورت برجسته‌ای آشکار می‌کند: اسرائیل، عربستان سعودی و امارات متحده عربی به گروهی مخرب تبدیل شده‌اند که هدف آنها خفه کردن دموکراسی در منطقه است. اسرائیل دانش ارائه می‌دهد و بقیه کمک مالی می‌کنند. خصوصی‌سازی دستگاه امنیتی اسرائیل و رشد قارچ گونه شرکت‌های خصوصی که توسط مأموران سابق نظامی و امنیتی اسرائیل تأسیس شده‌اند، نه تنها برای فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی، غزه و کرانه باختری، بلکه برای همه شهروندان خلیج فارس نیز تهدیدکننده است. جاسوس‌افزارهای اسرائیلی به دیکتاتوری‌های جهان عرب فروخته شده است.

امارات متحده عربی نقش مهمی در پروژه‌های شرکت‌های خصوصی اسرائیلی دارد. محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی در سایه محمد بن زاید، همتای اماراتی خود قرار گرفته است و بن زاید را می‌توان مربی بن سلمان دانست.

نفرت این دو نفر از دموکراسی باعث شده که در کنار هم یک محور شرارت را تشکیل دهند که تحت نظارت فناوری مخرب اسرائیل قرار دارد و علیه فعالان صلح طلب فعالیت می‌کند. چندی قبل عفو بین الملل در بیانیه‌ای اعلام کرد شرکت اسرائیلی NSO جاسوس‌افزار پگاسوس را در اختیار بسیاری از دولت‌های سراسر جهان با هدف جاسوسی کردن از فعالان، سیاستمداران و خبرنگاران قرار داده است و یافته‌ها نشان داد که در آوریل ۲۰۱۹، تلاشی برای هک کردن تلفن من انجام شده اما موفق بوده است.

برای به دست آوردن مستندات پروژه پگاسوس، باید محتویات تلفن خود را- که در آن مطالب شخصی و حرفه‌ای من ذخیره شده بود- به تیم فناوری آنها ارائه می‌کردم. من سه ساعت جلوی رایانه نشستم و زندگی مجازی خود را مشاهده می‌کردم که به آزمایشگاه عفو بین الملل فرستاده می‌شد و در آنجا جست‌وجوی بدافزارها انجام شد. من همان روز شواهدی از تلاش ناموفق هک در آوریل ۲۰۱۹ دریافت کردم.

کنترل روایت‌ها

من به عنوان یک شهروند انگلیسی که اصالت سعودی دارم، بیش از نیمی از عمر خود را صرف نوشتن، تحقیق و تدریس کرده‌ام و قاعدتا نباید نام من در فهرست قربانیان پگاسوس باشد اما از آنجا که چنین فعالیت‌های حرفه‌ای در عربستان جرم محسوب می‌شود، تلفن همراه من نیز هک شده است.

دلیل چنین رفتاری از سوی سعودی‌ها این است که این رژیم می‌خواهد روایت گذشته، حال و آینده را کنترل کند.

من هرگز چیزی برای پنهان کردن نداشتم؛ زیرا همه آنچه می‌انداختم مستند و در کتاب‌ها و مقالات منتشر شده است. من هیچ رازی نداشتم اما نکته اصلی این نبود. من برای حریم خصوصی خود، اهمیت زیادی قائلم و از نفوذ عربستان در زندگی‌ام بیزارم. من همچنین نگران کسانی هستم که از داخل کشور یا من ارتباط برقرار می‌کنند، زیرا ممکن است جان آنها در خطر باشد.

به لطف بدافزارهای اسرائیلی، همدستی امارات و نفوذ عربستان، شهروندان تبعید شده باید به دنبال روش‌های مطمئن برای به اشتراک‌گذاری اطلاعات باشند. از آنجا که بسیاری به ایالات متحده، کانادا، انگلیس و سراسر اروپا پناه برده‌اند، این کشورها وظیفه دارند از آنها در برابر عربستان محافظت کنند. در غیر این صورت، خطر واقعی نظیر آنچه برای جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار سعودی رخ داد وجود دارد.

دیپلماسی باید فعال شود تا از وقوع جنایات جدید توسط محور شرارت و قتل افراد بیشتر جلوگیری کند و اگر این کار موثر واقع نشد باید از ابزارهای دیگری چون تحریم، مانع شرارت‌های بیشتر عربستان، امارات و اسرائیل شد.



کشتی رژیم صهیونیستی هفته قبل در دریای عمان هدف قرار گرفت



کشتی رژیم صهیونیستی هفته قبل در دریای عمان هدف قرار گرفت

عکس:
الحدث

توافقات تسلیحاتی باید کنترل سلاح‌های جدید را هم شامل شود

میخائیل گورباچف، آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی گفته توافقات میان قدرت‌ها برای کاهش سلاح‌های هسته‌ای بایستی انواع جدید سلاح‌ها را نیز شامل شود. گورباچف خواستار آن شده که از طریق این اقدام، هیچ کشوری بر کشور دیگر برتری نظامی قابل ملاحظه‌ای به دست نیاورد. آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی تأکید کرد هیچ یک از چالش‌های پیش روی بشر در هزاره جدید راه حل نظامی ندارد. وی تصریح کرد هیچ کشوری به تنهایی از عهده مشکلات عمده دنیا بر نخواهد آمد. / فارس



ادعای صهیونیست‌ها درباره دخالت ایران در حمله به کشتی متعلق به این رژیم تهدیدی را متوجه جمهوری اسلامی نمی‌کند

نقشه بر آب

«**شانتناژ** تبلیغاتی و سیاسی مقامات غربی و دیگر حامیان تل آویو در خصوص حادثه انهدام کشتی رژیم صهیونیستی در دریای عمان ادامه دارد. گروه «زودیاک مریتم»، تحت مالکیت ایل اوfer، میلیاردر معروف رژیم صهیونیستی با انتشار بیانیه‌ای مدعی شده بود این نفتکش بدون بار با پرچم لیبی‌ریا از بندر دارالسلام تانزانیا به فجیره امارات در حال حرکت بوده که در شمال اقیانوس آرام هدف حمله قرار گرفته است.

محمد صابری

بین الملل

یک ادعای کاملاً غیرحقوقی

مقامات وزارت خارجه آمریکا و انگلیس بلافاصله تهران را به انجام این حمله متهم و ادعا کرده‌اند در قبال این حمله، پاسخی جمعی وجود خواهد داشت. در عین حال، جمهوری اسلامی ایران ضمن رد کامل ادعای پوچ و غیرحقوقی مقامات غربی و صهیونیستی، بر حفاظت کامل از منافع خود و پاسخ‌دهی نسبت به هرگونه تحرك تل آویو و بازیگران غربی تأکید دارد.
نفتالی بنت، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نیز با مقصد دانستن ایران برای انجام این حمله، تهران را تهدید کرده بود که تل آویو به شیوه خودش پاسخ این «اشتباه بزرگ» را خواهد داد. در مقابل، ایران با رد ادعای نقش داشتن در حمله به کشتی نفتکش مرسر استریت اعلام کرده است هرگونه ماجراجویی احتمالی را بی‌درنگ و با جدیت و قوت پاسخ خواهد داد.
سعید خلیب‌زاده، سخنگوی وزارت خارجه کشورمان با بیان این‌که رژیم اشغالگر قدس بیشتر هم چنین اتهاماتی به ایران وارد کرده است، گفت: «جمهوری اسلامی لحظه‌ای برای این‌که از منافع خود و امنیت مردمش محافظت کند، تردید نخواهد کرد.»

واقعیت این است مقامات آمریکایی، انگلیسی و صهیونیستی کمترین مستند و مستمسک حقوقی برای اثبات نقش آفرینی

حتی اگر ادعای غرب صحت داشت

فارغ از غیرمستند و پوچ بودن ماهیت ادعای مطرح شده از سوی مقامات غربی و صهیونیستی، نکته دیگری در خصوص ماجرای حمله به کشتی مرسر استریت وجود دارد که نمی‌توان از کنار آن گذشت. این نکته، مربوط به وزن حادثه رخ داده در دریای عمان و تناسب آن با جرایم آشکار آمریکا، رژیم اشغالگر قدس و انگلیس علیه کشورمان است. رژیم اشغالگر قدس طی ماه‌های اخیر با حمله به نیروگاه هسته‌ای نطنز و خرابکاری در آن (اقدامی که اسناد معتبری نیز در خصوص آن وجود دارد)، اقدامات تروریستی از جمله به شهادت رساندن دانشمند هسته‌ای کشورمان شهید مسسن فخری زاده، حمله آشکار به مواضع جمهوری اسلامی ایران در خاک سوریه و جایی برای تریئه خود به لحاظ حقوقی و نظامی باقی نگذاشته است. در چنین شرایطی مقابله به مثل

تل آویو از واشنگتن و لندن را نیز برانگیخته است؛

وزارت خارجه رژیم اشغالگر قدس، تصمیم اتحادیه اروپا برای اعزام انریکه مورا، معاون رئیس دستگاه دیپلماسی اتحادیه اروپا را به مراسم تحلیف ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور جدید کشورمان محکوم و تأکید کرد این حرکت نمایشی شرم‌آور ناشی از قضاوت ضعیف است. صهیونیست‌ها که نمی‌توانستند خشم خود را از این موضوع پنهان کنند، مدعی شدند شرکت نماینده اروپا در این مراسم درست پس از آن صورت می‌گیرد که

وقتی غرب در موضع ضعف قرار دارد

گرچه آنتونی بلینکن و دومینیک راب وزرای خارجه آمریکا و انگلیس ابتدا

حمایت مطلق خود را از رژیم اشغالگر قدس اعلام کرده و به مهره بازی تبلیغاتی و دروغین تل آویو علیه کشورمان تبدیل شدند اما عقب‌نشینی مرحله به مرحله آنها در مواضع بعدی به وضوح نشان داد تأکید ویژه جمهوری اسلامی ایران مبنی بر مواجهه با هرگونه اقدام و کنش طرف غربی و صهیونیستی علیه کشورمان آنها را در موضع ضعف قرار داده است. برخی مصادیق این عقب‌نشینی و ضعف به گونه‌ای بارز بوده که حتی خشم تل آویو از واشنگتن و لندن را نیز برانگیخته است؛

وزارت خارجه رژیم اشغالگر قدس، تصمیم اتحادیه اروپا برای اعزام انریکه مورا، معاون رئیس دستگاه دیپلماسی اتحادیه اروپا را به مراسم تحلیف ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور جدید کشورمان محکوم و تأکید کرد این حرکت نمایشی شرم‌آور ناشی از قضاوت ضعیف است. صهیونیست‌ها که نمی‌توانستند خشم خود را از این موضوع پنهان کنند، مدعی شدند شرکت نماینده اروپا در این مراسم درست پس از آن صورت می‌گیرد که

توافقات تسلیحاتی باید کنترل سلاح‌های جدید را هم شامل شود

میخائیل گورباچف، آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی گفته توافقات میان قدرت‌ها برای کاهش سلاح‌های هسته‌ای بایستی انواع جدید سلاح‌ها را نیز شامل شود. گورباچف خواستار آن شده که از طریق این اقدام، هیچ کشوری بر کشور دیگر برتری نظامی قابل ملاحظه‌ای به دست نیاورد. آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی تأکید کرد هیچ یک از چالش‌های پیش روی بشر در هزاره جدید راه حل نظامی ندارد. وی تصریح کرد هیچ کشوری به تنهایی از عهده مشکلات عمده دنیا بر نخواهد آمد. / فارس

دردسر دولت هند در پرونده پگاسوس

نمایندگان احزاب مخالف، هردو صحن پارلمان هند بر تقاضا برای تحقیق درباره استفاده احتمالی از این جاسوس‌افزار ساخت رژیم صهیونیستی علیه مقامات هندی پافشاری کردند. در این میان، نمایندگان پارلمان هند خواستار مشخص شدن نقش دولت مودی و حزب حاکم در همکاری پشت پرده با صهیونیست‌ها در این مسیر هستند. با این حال وزیر فناوری اطلاعات هند این مساله را رد کرده و آن را «دستانی به شدت احساسی» دانست. / ناتولی

ایران قواعد مواجهه با صهیونیست‌ها را می‌داند

ناصر قنبدلی، سردبیر روزنامه البناء در خصوص آنچه در قبال کشتی صهیونیستی مرسر استریت در آب‌های دریای عمان رخ داده است به جام‌جم می‌گوید: «این نخستین بار نیست که رژیم صهیونیستی و متحدانش، ایران یا دیگر بازیگران محور مقاومت را مورد تهدید قرار می‌دهند. ایران و اضلاع محور مقاومت در طول دهه‌های مختلف، قواعد منازعه و مواجهه با تل آویو و حامیان آن و شیوه مدیریت تهدیدات آنها و پاسخ‌دهی به این موارد را به وضوح می‌دانند. در مقابل، اسرائیل مدت‌هاست در قبال ایران دچار نوعی خلأ و بحران استراتژیک شده است، غلبه بر این بحران، کار آسانی برای صهیونیست‌ها نیست. رژیم صهیونیستی خصوصاً در طول سال‌های اخیر در این خصوص شدیداً آسیب پذیر نشان داده و همین مساله، به طور طبیعی شرکا و حامیان آن را نیز به سوی استفاده از روش‌های محتاطانه هدایت می‌کند.» نماینده سابق پارلمان لبنان افزود: «حامیان تل آویو نیز در محاسبه رفتارها و عملیات‌های منطقه خود، ناچار هستند برخی واقعیات جاری در این حوزه را بپذیرند. بر اساس یکی از این واقعیات، توازن قدرت در منطقه (غرب آسیا) دیگر به سود آمریکا و

متحدانش از جمله رژیم صهیونیستی نیست. بسیاری از

استراتژی‌ها و تاکتیک‌های غرب در منطقه با شکست مواجه

شده است که نمونه آن را در شکست داعش در عراق و

سوریه مشاهده کردیم. جنگ یمن نیز یکی از نمادهای

آسیب‌پذیری استراتژیک و نظامی غرب و رژیم صهیونیستی

و متحدانشان در منطقه است. در چنین شرایطی،

حامیان رژیم صهیونیستی خود نیز می‌دانند

قدرت مانور محدودی در مواجهه با ایران و

محور مقاومت دارند.»

آمریکا و انگلیس مجرم هستند، نه مدعی

در سال ۲۰۱۹ میلادی (تیر ۱۳۹۸) فارغ از این‌که اساساً انگلیس حق ورود به آب‌های اطراف جبل الطارق و توقف کشتی ایرانی را نداشت، مقامات‌شان یک نفتکش ایرانی را به بهانه ارسال نفت ایران به سوریه توقیف کردند. بر اساس ادعای مضحکانه مقامات انگلیسی، این اقدام بر اساس مصوبه اتحادیه اروپا در زمینه جلوگیری از فروش نفت به سوریه صورت گرفته بود. این توجیه در حالی از سوی انگلیسی‌ها بیان شده که تحریم‌های اتحادیه اروپا صرفاً برای کشورهای عضو این بلوک لازم‌الاجرا بوده است. از سوی دیگر، نفتکش ایرانی از آب‌های بین‌المللی در حال گذر بوده و فراتر از آن، ایران اساساً عضو اتحادیه اروپا نیست که بخواهد تحریم‌های این اتحادیه را اجرا کند. بنابراین توجیه انگلیس در زمینه توقیف نفتکش ایرانی به اندازه‌ای وقیحانه و مضحکانه بود که حتی مقامات اروپایی نیز قدرت دفاع و حمایت از آن را پیدا نکردند. حتی کار به جایی رسید که مقامات اتحادیه اروپا نسبت به اقدام انگلیس و چرایی آن ابراز بی‌اطلاعی کردند. در سال گذشته دولت ترامپ در آمریکا با به کارگیری و تأکید بر انواع تهدیدها و درشت‌گویی‌ها سعی کرد مانع حرکت نفتکش‌های ایرانی به سوی ونزوئلا (برای مقابله با کمبود بنزین در این کشور آمریکای لاتین) شود اما موفقیت بزرگ جمهوری اسلامی ایران و ونزوئلا در اجرایی ساختن این معاهده دوجانبه ، مړهون اصرار بر یک حق ذاتی در حوزه حقوق بین‌الملل بود. ایران مانند همه کشورها، حق تجارت دوجانبه یا چندجانبه با سایر کشورها و بازیگران بین‌المللی را داشت و از این حق ذاتی و بین‌المللی خود استفاده کرد.

واقعیت این است ترامپ و همراهانش، هرگز تصور نمی‌کردند تهدیدات آنها مبنی بر جلوگیری از تجارت دوجانبه ایران و ونزوئلا و مواجهه با حرکت نفتکش‌های ایرانی در آب‌های بین‌المللی با پاسخ قاطعانه این دو کشور مواجه شود. آنچه در جریان این فعل و انفعال رنگ باخت، فقط تحریم‌های یکجانبه آمریکا نبود، بلکه تهدیدهای آمریکانیز در این معادله از سوی کاراکاس و تهران به چالش کشیده شد. ورود نفتکش «فورچون» و دیگر نفتکش‌های ایرانی به پایتخت ونزوئلا، تصویر ساختگی دولت آمریکا را مبتنی بر قدرت و اصالت ذاتی تحریم‌ها و تهدیدات واشنگتن علیه دیگر بازیگران و کشورها منهدم کرد. بر همین اساس، واشنگتن و لندن نه‌فقط در برهه فعلی حق طرح ادعا علیه کشورمان را در خصوص ماجرای حمله به کشتی صهیونیستی ندارند، بلکه باید بابت جرایم آشکار خود در نقض حقوق مسلم ایران در آب‌های بین‌المللی، پاسخگو باشند.

اگر غرب و اسرائیل خطایی مرتکب شوند؟!

آنچه از موضعگیری صریح مقامات کشورمان در قبال شانتناژ تبلیغاتی و سیاسی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی برمی‌آید، مربوط به واکنش قاطعانه، مستقیم و صریح ایران در قبال هرگونه اقدام و کنش دشمنان محسوب می‌شود. بدیهی است واکنش ایران در قبال عملیاتی‌شدن هرگونه تهدیدی از سوی واشنگتن، لندن و تل آویو مربوط به همه این بازیگران خواهد بود. استدلال جمهوری اسلامی ایران در این خصوص کاملاً مستضخ است: «از آنجا که کمترین مدرک و سندی در خصوص ادعای رژیم اشغالگر قدس و حامیان غربی آن در خصوص حمله ایران به کشتی مرسر استریت وجود ندارد، هرگونه عملی علیه منافع ملی کشورمان از سوی آنها، مصداق اقدام و کنش محسوب می‌شود نه واکنش. بنابراین جمهوری اسلامی ایران، نسبت به این کنش قطعاً واکنش نشان خواهد داد. این واکنش، ممکن است از سطح اقدام و کنش طرف‌های مقابل به مراتب سخت‌تر باشد و به همین ترتیب، مواجهه با تبعات و آثار آن نیز از عهده تل آویو، واشنگتن و لندن برنیاید.» بسیاری از استراتژیست‌های صهیونیستی و غربی با مقامات خود هشدار داده‌اند که جمهوری اسلامی ایران بر اساس ظرفیت‌هایی که در تنگه هرمز، دریای عمان، اقیانوس هند و خلیج فارس در اختیار دارد، قدرت مواجهه با اقدامات و حتی تهدیدات رقبا و دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود را خواهد داشت.

اندازه‌ای در موضع ضعف و ناتوانی قرار دارد.



دیلی‌میل در جهت سیاست‌ها و ادعاهای دولت لندن نوشت انگلیس درحال بررسی یک حمله سایبری علیه ایران در تلافی حمله‌ای است که در روزها اخیر به کشتی مرسر استریت، اگرچه صهیونیست‌ها امیدوار بودند این انگلیسی این کشتی شده است، منجر به کشته‌شدن پرسنل گزارش توسط مقامات انگلیسی تکذیب شود اما این اقدام صورت نگرفت! این به معنای تقلیل واکنش نظامی به واکنش سایبری، آن هم از موضع ضعف است.

ایران به کشتی اسرائیلی مرسر استریت حمله کرده و این مساله از دید تل آویو غیر قابل قبول است.

آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا پس از طرح ادعای پوچ خود درخصوص مقصر دانستن ایران در حمله به کشتی اسرائیلی بر واکنش جمعی در قبال این ماجرا تأکید کرد. وی در این خصوص تأکید کرد: «ما در تماس نزدیکیم و با بریتانیا، اسرائیل، رومانی و سایر کشورها در حال هماهنگی هستیم.»

بسیاری از تحلیلگران غربی و صهیونیستی تأکید کردند این بیانیه، نه‌فقط منعکس‌کننده حمایت واشنگتن از تل آویو در تقابل جدی با ایران نیست، بلکه نشان دهنده تلاش ایالات متحده در خصوص تقلیل دادن و کنترل سطح این واکنش است. از سوی دیگر، جن ساکی، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز با تأکید بر آن‌که حادثه به وجود آمده در خصوص کشتی مرسر استریت نقشی در سرنوشت مذاکرات وین و استمرار آن نخواهد داشت، بار دیگر نشان داد واشنگتن برخلاف تمام ادعاهای خود تا چه

